فصل‌نامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه

دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۱۳ تا ۳۳

https://www.jasd.ir

eISSN: 3115-7955

Research

The Impact of National Culture on the Security and Well-being of Society

Kiyumars Moladoost

Department of Cultural Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Receive:
02 September 2025
Revise:
30 September 2025
Accept:
05 November 2025

Abstract

Background and Objective: The culture of any nation contributes to its sustainability and well-being. Iran, with its rich culture and historical background, relies on its national and Iranian culture for national stability and strength. This research aims to interpret the impact of Iranian national culture on the security and well-being of Iranian society.

Method and Materials: The research adopts a theoretical perspective based on a hermeneutic approach and is aligned with previous research, observations, and life experiences. The research method is descriptive based on data collection.

Findings: The dominance of religion in all aspects of governance and the administration of the country, including political, economic, social, and cultural affairs, has led to the neglect of many aspects of Iranian culture. This study attempts to demonstrate that disregarding Iranian culture, rituals, and traditions can result in significant harm to the security and well-being of Iranian society. Safeguarding and promoting culture prevent such harm and contribute to its regeneration. National culture is influential in national cohesion and the preservation of Iran's territorial integrity.

Conclusion: Iranian culture is rooted in celebratory rituals, and the cheerful people of Iran may not have the capacity to endure excessive grief and mourning, leading to long-term adverse consequences. On the other hand, strengthening and paying attention to national and Iranian culture enhances Iran's credibility and desirable global image. Cultural commonalities and widespread traditions can promote security, peace, friendship, and social well-being in Iran.

Keywords:
Iranian culture,
social well-being,
Iranian rituals,
culture of joy,
ritual performances.

Please cite this article as (APA): Moladoost, K. (2025). The Impact of National Culture on the Security and Well-being of Society. *Journal of Approaches in Sociology and Development*, *1*(3), 13-33.

https://doi.org/10.22034/jasd.2025.233541

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Raz Nahan Publishing.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

Publisher: Raz Nahan Publishing (RN.PUB)

Corresponding Author: kiyumars Moladoost | **Email:** k.moladoost@gmail.com

فصل‌نامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه
Journal of Approaches in Sociology and Development
https://www.jasd.ir
دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۱۳ تا ۳۳
پژوهشی
eISSN: 3115-7955

تأثیر فرهنگ ملی بر امنیت و سلامت جامعه

کیومرث مولادوست

گروه مدیریت فرهنگی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت:
۱۱ شهریور ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری:
۰۸ مهر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش:
۱۴ آبان ۱۴۰۴

کلید واژه‌ها:
فرهنگ ایرانی،
سلامت اجتماعی،
آیین‌های ایرانی،
فرهنگ شادی،
نمایش آیین‌ها

چکیده

زمینه و هدف: فرهنگ هر ملتی سبب دوام و سلامت آن است. ایران نیز با برخورداری از فرهنگی غنی و پیشینه‌ای تاریخی پربار، برای تحقق ثبات و اقتدار ملی، به فرهنگ اصیل خود وابسته است. این پژوهش در پی آن است تا با رویکردی تفسیری، اثرات فرهنگ ملی ایران را بر امنیت و سلامت جامعه‌ی ایرانی روایت کند.

روش و مواد: نگاه نظری پژوهش مبتنی بر رویکرد خردگرایانه و منطبق با تحقیقات پیشین و مشاهدات و تجربه‌ی زیسته است. روش پژوهش بر اساس هدف بنیادی و از منظر جمع‌آوری داده‌ها روش توصیفی می‌باشد.

یافته‌ها: استیلای مذهب بر همهٔ شئون حاکمیتی و حکمرانی کشور ازجمله شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باعث شده است، بسیاری از بخش‌های فرهنگ ایرانی نادیده گرفته شود. این مطالعه سعی دارد تا بیان کند که نادیده‌گرفتن فرهنگ، آیین‌ها و سنت‌های ایرانی باعث خسران زیاد به امنیت و سلامت جامعه ایرانی می‌شود و دست پنهان فرهنگ از این خسران جلوگیری می‌کند و باعث بازتولید آن می‌شود. فرهنگ ملی در انسجام ملی و حفظ تمامیت ارضی ایران مؤثر است.

نتیجه‌گیری: تقویت و توجه به فرهنگ ملی و ایرانی، باعث افزایش اقتدار و چهره‌ی مطلوب جهانی ایران می‌شود. اشتراک‌های فرهنگی و آیین‌های فراگیر، می‌تواند امنیت، صلح و دوستی و سلامت اجتماعی را برای ایران به‌همراه داشته باشد.

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): مولادوست،کیومرث . (۱۴۰۴). تأثیر فرهنگ ملی بر امنیت و سلامت جامعه. *فصلنامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه*. (۳)۱. ۱۳-۳۳.

https://doi.org/10.22034/jasd.2025.233541

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Raz Nahan Publishing.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

ناشر: انتشارات راز نهان

ایمیل: k.moladoost@gmail.com
نویسنده مسئول: کیومرث مولادوست

مقدمه

فرهنگ معرف ملت و تشکیل‌دهندهٔ بخشی از هویت آن است. برخی عناصر فرهنگی، همچون آداب و رسوم و هنجارها که در طول تاریخ زندگی مردمان کشوری شکل گرفته‌اند، نشانگر ارزش‌ها، تمایلات، علایق و آرمان‌های آن ملت‌اند و معمولاً سایر ملل آن‌ها را با این مشخصه‌ها شناسایی و تعریف می‌کنند (معصوم‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۶۹). سلامت نیز مفهومی است که در فرهنگ تمام جوامع وجود دارد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۳). رفتارهای فرهنگی پیامدهای مهمی برای سلامتی انسان دارد. چراکه فرهنگ، یک سیستم اجتماعی انتقال دانش، اعتقادات یا شیوه‌های مشترک است که در گروه‌ها و جوامع به‌صورت متفاوت بروز می‌کند (هروشکا و هادلی[1]، ۲۰۰۸: ۵۱). سلامت که یکی از حقوق اساسی افراد جامعه است، از پیش‌شرط‌های مهم دستیابی جوامع به رفاه و توسعه اجتماعی می‌باشد (توکل و همکاران، ۱۳۹۹: ۲). به اعتقاد سازمان جهانی بهداشت، سلامت روان مانند ابعاد دیگر سلامت از طیف گسترده‌ای از عوامل و تعیین‌کننده‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. ازاین‌رو، عوامل تعیین‌کننده سلامت روان و بیماری‌های روانی علاوه بر ویژگی‌های فردی، عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مانند سیاست‌های کلان ملی، حمایت اجتماعی، استانداردهای زندگی، وضعیت شغلی و شرایط اجتماعات محلی را نیز در بر می‌گیرد (همان: ۳).

سلامت اجتماعی یکی از ابعاد سلامت است و از دو بعد جسمی و روانی سلامت تأثیر می‌پذیرد و بر آن‌ها نیز اثر متقابل دارد. کمیت و کیفیت تعامل فرد با اجتماع به‌منظور ارتقای رفاه آحاد جامعه یکی از تعاریف سلامت اجتماعی است. از نتایج این تعامل ارتقای سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارد (دماری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۵). علل مؤثر بر وضعیت فعلی سلامت اجتماعی ریشه در عوامل سیاستی-قانونی، ساختاری-عملیاتی و فرهنگی-رفتاری دارد (همان: ۴۷). عوامل محیطی و اجتماعی مشوق در کنار رفتارهای اجتماعی سالم باعث افزایش سلامت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود (همان: ۴۸). از دیدگاه مرتون[2] (۱۹۶۸: ۴۳) تداوم وضعیت‌های آنومیک می‌تواند تبعات مختلفی برای افراد داشته باشد. آنومیک نتیجه تغییرات ناگهانی اجتماعی نیست، بلکه مولود ساختار اجتماعی موجود است. چنین وضعیتی، به نظر مرتون، زمانی رخ می‌دهد که میان اهداف مقبول اجتماعی و وسایل مشروع رسیدن به چنین اهدافی در جامعه، شکافی دست‌نیافتنی و پرنکردنی وجود داشته باشد. فشارهای ساختاری بسیاری از کج‌رفتاری‌ها را تبیین می‌کنند. فهم مسائل اجتماعی-فرهنگی در لوای نظریات مرتون قابل درک است. از سوی دیگر، عدم تعادل بین انتظارات و دستاوردهای واقعی، اثرات سوء بر سلامت روانی افراد بر جای می‌گذارد (توکل و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶). تبادل فرهنگی، مناسبت‌های هویتی و تعلق نژادی و قومی، انواع آئین‌ها و جشن‌های باستانی، مذهبی، میهنی، محلی یا منطقه‌ای و خانوادگی بخشی از رفتارهای مطلوب و سلامت اجتماعی را شکل می‌دهند (دماری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۹). سلامتی تحت تأثیر عوامل و شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۳). احساس آرامش خاطر و امنیت ازجمله مواردی هستند که بر سلامت افراد یک جامعه تأثیر می‌گذارند. بنابراین موضوع سلامت، امنیت و فرهنگ مقوله‌های به‌هم‌پیوسته و با کارکردهای متقابلی هستند. فرهنگ سلامت خود شیوه‌های رعایت بهداشت را تبیین می‌کند و از سوی دیگر سالم بودن خود نوعی داشتن فرهنگ غنی است. این مطالعه سعی دارد تا با بررسی شکاف ایجادشده در فرهنگ ملی و ایرانی به اثرات ناسلامتی و مسائل مرتبط بپردازد.

---

[1] - Hruschka & Hadley
[2] - Merton

چارچوب مفهومی و پیشینه تحقیق

حکمرانی در فرهنگ

حکمرانی مفهومی نو در مدیریت کلان اجتماعی است که با هدف ارتقای کارآمدی و اثربخشی نظام اداری و عمومی مطرح شده است (مزینانی، ۱۳۹۹). نظریه حکمرانی خوب با مؤلفه‌هایی چون مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، کارایی و حاکمیت قانون، الگویی برای توسعه پایدار انسانی از طریق تعامل دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی به شمار می‌آید (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲). تحقق آن مستلزم پیش‌شرط‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نیز شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مناسب، به‌ویژه در میان نخبگان است (گرائیلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۳). مفهوم «حکمرانی فرهنگ‌پایه» با فاصله‌گذاری مفهومی از «حکمرانی فرهنگی» و همچنین با حفظ وجه تمایز خود از منظر غایت با مفهوم «چرخش فرهنگی»، به معنای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تحقق اصول مبتنی بر اصالت‌بخشی به «فرهنگ مطلوب معیار» است که این فرهنگ معیار در نظام جمهوری اسلامی ایران، «فرهنگ انقلاب اسلامی» با مبانی و خاستگاه‌های معرفتی (هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی) بر اساس آموزه‌های اسلام شیعی است. فرهنگ مطلوب معیار، اصل و سازندهٔ زیست اجتماعی است و سایر حوزه‌های اجتماعی، فرع بر آن و به‌عنوان پیوستی کارکردی برای تحقق آن هستند. بی‌توجه به این رویکرد در عرصهٔ حکمرانی مهم‌ترین عامل شکل‌گیری سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متضاد در عرصه‌های مختلف حکمرانی و اقدامات پراکنده، مقطعی، غیرفرهنگی و بعضی ضدفرهنگی است (قیدرلو و جانقربان، ۱۴۰۱: ۷).

نظام اسلامی با شکل و خوانشی که در جغرافیای ایران، ظاهر و مستقر شده از گذشته تلاش نموده با به‌کارگیری سازه‌های مفهومی چون جمهوریت و اسلامیت، عرف‌وشرع، حکم‌وقانون، نقش و سهم حکومت و مردم در دایره‌ی قدرت و ساحت اجتماعی را ترسیم و مشخص کند. هرچند این تلاش‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو بوده و شاید بین آنچه نظام خواسته و آنچه توانسته هنوز فاصله باشد اما اصل موضوع و تلاش حکومت برای حرکت در این مسیر را نمی‌توان انکار کرد (زهیری، ۱۳۹۴: ۱۰۱؛ عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵). توفیقات نظام در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی برای این تسهیم و تقسیم، متفاوت بوده است. امروزه حوزه‌ی فرهنگ بیش از دیگر حوزه‌ها گرفتار چالش برای تعیین نقش قدرت حاکم است، زیرا که این حوزه اساساً جزء ماهیت نظام اسلامی با خوانش ولایی آن بوده و این حوزه در ایجاد و بقای نظام اسلامی، نقش بنیادی دارد (مزینانی، ۱۳۹۹: ۲).

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی همانند نظام‌های فرهنگی دیگر در معنی وسیع خود مجموعه پیچیده‌ای است که متضمن سیستم‌های انرژی، ابزارها، سازمان‌های اجتماعی، شناخت و معتقدات دینی، هنر، اخلاق، قانون، زبان، فلسفه، رسوم، توانایی‌ها و عاداتی که نسل‌های ایرانی در جریان زندگی اجتماعی خویش کسب کرده‌اند (یوسفیان، ۱۳۸۳: ۸). فرآیند تولید فرهنگ ایرانی از هزاران سال پیش در سرزمین‌های مختلف رشد و گسترش خود را آغاز کرده است. آئین‌های جهان ایرانی با فرهنگ‌سازی نمادین خود در محدوده‌های جغرافیایی مختلف، توانسته است به‌موجب فرآیندهای پیچیده‌ی محتواسازی، ساختاریابی، اصلاح‌بخشی و مشارکت‌دهی اجتماعی، آئین‌های فرهنگی خود را از رهگذر تعامل‌گرایی فرهنگی و سیاسی با جوامع مختلف، گسترش دهد (بیدالله‌خانی و چاهه، ۱۳۹۲: ۷۲). تاریخ، جغرافیا و اندیشه دولت آرمانی ایرانی در

آداب‌ورسوم، سنت‌ها، آیین‌ها و آثار نثر و نظم بسیار متعددی ثبت شده است که می‌توان از آن به‌مثابه میراث فرهنگی ایران نام برد. این میراث شامل آداب‌ورسوم و آیین‌هایی است که از گذشته تا به امروز همچنان تداوم یافته و بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت و فرهنگ ملی ایرانی شده‌اند (یوسفی‌جویباری و محمدی‌فر، ۱۳۹۰: ۳۱).

فرهنگ ملی

فرهنگ ملی مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، مفروضات و الگوهای رفتاری پایدار و ریشه‌دار یک ملت است که در مرزهای جغرافیایی و طی قرن‌ها شکل گرفته و هویت ملی را می‌سازد (تسلیمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۲). این فرهنگ بازتابنده تجربیات تاریخی و دستاوردهای جامعه بوده و استقلال، تداوم و پایداری آن را تضمین می‌کند (کاردان، ۱۳۸۶: ۶۲). فرهنگ ملی شامل باورها و رفتارهایی است که توسط اکثریت جامعه پذیرفته و از طریق قوانین و سیاست‌های ملی تقویت می‌شوند (اودنهون[1]، ۲۰۰۱). ویژگی‌هایی چون سن، جنسیت، تحصیلات و وضعیت اجتماعی - اقتصادی بر شکل‌گیری و تغییر این ارزش‌ها تأثیر می‌گذارند (استون[2] و همکاران، ۲۰۱۴). فرهنگ ملی از عوامل بنیادین در ساخت هویت ملی، جهت‌گیری نخبگان، منافع ملی و تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی محسوب می‌شود (موسوی‌زاده و جاودانی‌مقدم، ۱۳۸۷: ۱۸۷). همچنین، ارزش‌های فرهنگی از مسیر فرآیندهای اجتماعی بر باورها و رفتارهای فردی و جمعی جامعه اثرگذارند (لباف و دلوی، ۱۳۸۶: ۵۴). این فرهنگ می‌تواند بخشی از ایدئولوژی سیاست‌گذاران و عاملی پایدار در سیاست خارجی کشورها باشد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۳؛ موسوی‌زاده و جاودانی‌مقدم، ۱۳۸۷: ۱۹۵). دورکیم فرهنگ را عامل تعادل و همبستگی اجتماعی می‌داند (رشیدپور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۱) و ترومپانرز و ترنر، ارزش‌ها و هنجارهای درونی را عمیق‌ترین لایه فرهنگ معرفی می‌کنند (باباجانی‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۳). فرهنگ ملی به عنوان هسته هویت یک کشور، سازوکاری اجتماعی است که نظام باورها، ارزش‌ها و رفتارهای مشترک را در میان اعضای جامعه تثبیت می‌کند و بر شکل‌گیری سیاست‌ها، جهت‌گیری‌های ملی و تعاملات خارجی اثرگذار است. این عامل تاریخی و اجتماعی، پیوند دهنده نسل‌ها و نیرویی برای حفظ همبستگی و ثبات ملی محسوب می‌شود.

فرهنگ دینی و مذهبی

دین به عنوان یک پدیده اجتماعی، هم بر جامعه تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. وقتی دین از حیطه فردی خارج شده و در باورها، هنجارها و کنش‌های اجتماعی متجلی شود، دارای کارکردهای اجتماعی می‌گردد (کلانتری و کلانتری، ۱۳۹۱: ۱۷۴). فرهنگ دینی به وضعیت و روح حاکم بر نگرش‌ها و تعاملات اجتماعی اشاره دارد که از مبانی دینی سرچشمه گرفته است (احمدی بیغش و منصوری، ۱۴۰۱: ۱۱۲). در یک جامعه دینی، رسالت حاکمیت، تحقق این بایسته‌های فرهنگی و حاکم کردن آن بر جامعه است (پوررستمی، ۱۳۹۵: ۱۳۳). پیشرفت فرهنگ دینی به معنای تقویت و توسعه این عقاید و اخلاقیات در مسیر تعالی است (احمدی بیغش و منصوری، ۱۴۰۱: ۱۱۳). در حکومت دینی، تمام روابط اجتماعی بر اساس آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد (واعظی، ۱۳۸۶: ۳۲-۲۸). در این فرهنگ، هر عنصر یا موافق دین است یا مخالف آن، و هیچ بلاتکلیفی وجود ندارد (پوررستمی، ۱۳۹۵: ۱۳۴)

[1] - Oudenhoven
[2] - Stone

گوستاو منشینگ برای دین دو ساحت قائل است: مواجهه درونی با امر قدسی، و واکنش رفتاری ناشی از این مواجهه (دوستدار، ۱۳۵۹: ۲۵). بر این اساس، فرهنگ دینی دارای پنج بعد است (میراحمدی و احمدی، ۱۳۹۶: ۱۰۸-۱۰۷):

۱) جانشینی واقعیت قدسی به جای پرسش و استدلال در هدایت فرد و جمع (دوستدار، ۱۳۸۷: ۱۰۲)؛

۲) انحصارطلبی: هر مرجع دینی تنها خود را به رسمیت می‌شناسد (همان: ۱۰۴)؛

۳) برتری «خبر» بر «دلیل»: نامستدل بودن، برتر از استدلال‌ورزی دانسته می‌شود (همان: ۱۰۶)؛

۴) پذیرش اخبار از جهانی دست‌نیافتنی که منشأی فرابشری یا نیمه بشری دارد (همان: ۱۰۶)؛

۵) تمام‌خواهی: فرهنگ دینی اختیار فرد و جمع را در تمام زمینه‌ها در دست می‌گیرد (همان: ۱۰۷).

به نظر دوستدار، این ابعاد انتظاراتی را به جامعه تزریق می‌کند که جایی برای ظهور نیازهای جدید باقی نمی‌گذارد و در نتیجه، در جامعه دینی تنوع و گوناگونی وجود ندارد (میراحمدی و احمدی، ۱۳۹۶: ۱۰۸). کشورهای با حاکمیت دینی، مانند بسیاری از کشورهای مسلمان، می‌کوشند فرهنگ حاکم را دینی تعریف کنند. این امر در رفتارهای متمایزی مانند پوشش، عبادت، معماری مذهبی، قوانین خوراک (حلال و حرام) و روابط جنسیتی تجلی می‌یابد که در مجموع «فرهنگ اسلامی» را شکل می‌دهد. در ایران، با وجود اقلیت‌های غیرمسلمان که مورد حمایت قانون اساسی هستند، پذیرش تنوع فرهنگی همواره ویژگی ایرانیان بوده است (شعبانی صمغ‌آبادی و کاووسی، ۱۴۰۰). اما پس از استقرار حاکمیت دینی در سال ۱۳۵۷، نظام فکری مبتنی بر مذهب بر تمام عناصر فرهنگی حاکم شد و گرایش حاکمیت به نمادهای دینی معطوف گردید.

بسیاری از کشورهای اسلامی علاوه بر فرهنگ اسلامی، دارای یک فرهنگ ملی پایدار و تاریخی هستند که گاه با فرهنگ دینی همخوان و گاه در تضاد است. کشورهایی مانند ایران، با پیشینه فرهنگی چند هزارساله، ضمن رعایت موازین شرعی، آداب و رسوم خاص خود را حفظ کرده‌اند. این استقامت ناشی از تداوم فرهنگ و اعتقادات پیش از اسلام بوده است؛ برای مثال، ایرانیان پیش از اسلام نیز یکتاپرست بوده و پوشش کامل و فرهنگ تغذیه خاص خود را داشتند. امروزه در ایران، مذهب بر تمام شئون حکمرانی از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیطره یافته است. حاکمان تلاش می‌کنند روش‌هایی مانند «اقتصاد اسلامی» یا «فرهنگ اسلامی» ارائه دهند. حال آنکه علم و دانش، حاصل تجربیات بشری در طول تاریخ است و معمولاً به قوم یا دین خاصی تعلق ندارد (مانند نادیده گرفتن اقتصاد مسیحی یا طب یهودی)، بلکه دستاوردهای دانشی به یک منطقه جغرافیایی (مانند طب چینی) مرتبط می‌شود.

همخوانی یا ناهمخوانی فرهنگ ملی با سنت‌های دینی، مسئله‌ای مهم در جوامعی است که خاستگاه واحدی ندارند. رابطه سنت‌های اسلامی با آداب ایرانی در مناسبت‌های مختلف خود را نشان می‌دهد (ادیب، ۱۳۸۰). نادیده گرفتن آیین‌های سنتی و سبک زندگی یک ملت می‌تواند موجب ناهنجاری‌های جدید شود. اگرچه دین مخالف سلامت نیست و حتی بر رعایت بهداشت تأکید دارد، اما تغییر سبک زندگی توسط حاکمیت، بدون در نظر گرفتن دانش بومی و تاریخی، می‌تواند سلامت روند زندگی مردم را با اخلال مواجه کند. در چند دهه گذشته، حاکمیت ایران تلاش کرده تا فرهنگ دینی و مذهبی را جایگزین فرهنگ ملی و ایرانی کند. این امر منجر به تقابل بین حاکمیت و مردم شده و بروز آنومی و ناهنجاری‌های فرهنگی بسیاری را در پی داشته است، تا جایی که این تصور به وجود آمده که «خودبیگانگی فرهنگی» یا «فرهنگ‌ستیزی خودی» در حاکمیت شکل گرفته است.

پژوهش حاضر نگاهی انتقادی به عملکرد جمهوری اسلامی به حوزه فرهنگ و تأثیر سیاست‌های به کارگرفته در سلامت و امنیت جامعه را دارد. نگاه یک‌جانبه جمهوری اسلامی ایران به بخش دین و مذهب از فرهنگ و نادیده‌گرفتن سایر بخش‌های فرهنگ به‌خصوص نهادهای ملی و مفاهیم ملی، باعث ناکارآمدی فرهنگ به‌عنوان یکی از بخش‌های اساسی حاکمیتی و حکمرانی شده است.

تحقیقات انتقادی اندکی در رابطه موضوع سیاست‌های فرهنگی ایران انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش‌های موردمطالعه

پژوهشگر (ان)/ سال	عنوان پژوهش	یافته‌ها
مقتدائی و ازغندی، (۱۳۹۵)	آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی مشکلات عدیده‌ای در بخش‌های مربوط به مطالعات نظری و شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی وجود دارد.
توسلی رکن آبادی و همکاران، (۱۳۹۸)	بازشناسی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران	فقدان نظریه فرهنگی مشخص در سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه متخصصان مانع مهمی در تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است، درحالی‌که میزان تمایل به مقاومت از طریق مناسک در بین اعضای جامعه می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باشد.
جولایی و انتظاری، (۱۴۰۰)	تطور سیاست‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت‌های پس از انقلاب	سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دلیل اتخاذ سیاست تک‌بعدی در پرداختن به اهداف انقلاب اسلامی، شاهد اتخاذ نگاه گزینشی و بخشی‌نگری به مقوله فرهنگ هستیم.
ابوالفضلی کریزی و پسندیده، (۱۴۰۰)	تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی و موانع توسعه‌ای آن در دوران جمهوری اسلامی	علی‌رغم ایستار ذهنی بنیان‌گذاران انقلاب برای اعمال سیاست‌ها و وضع قوانین مترقی در حوزهٔ توسعهٔ فرهنگی، مؤلفه‌هایی همچون ضعف جامعهٔ مدنی، بنیادگرایی و محافظه‌کاری، اعمال سیاست‌های متناقض فرهنگی در دولت‌های مختلف، وضع قوانین کارشناسی‌نشده، سیاست‌زدگی در موضوع فرهنگ و موانع تاریخی از مهم‌ترین موانع و چالش‌های توسعهٔ فرهنگی کشور به شمار می‌روند.

در حال حاضر منبع مرتبط یافت نشد که با نگاه انتقادی به عملکرد جمهوری اسلامی ایران در مدت ۴۰ سال و اندی گذشته بپردازد. عمده تحقیقات انجام‌شده به حوزه فرهنگ اسلامی و اثر متقابل دین و فرهنگ پرداخته‌اند. این در حالی است که دین و مذهب، جزئی از فرهنگ بوده و فرهنگ موضوع کلی‌تری نسبت به دین است. علاوه بر آن عناوینی نظیر؛

فرهنگ اسلامی مشمولیت جهانی نداشته؛ زیرا، در سایر نقاط جهان فرهنگ‌های دینی مثل یهودی، مسیحی و غیره دیده نمی‌شود. بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه سلامت به دنبال این موضوع بوده‌اند که دین و مناسک آن می‌تواند در سلامت اثر مثبتی داشته باشد و کارکردهای خوب آن را تبیین کرده‌اند. فقدان پژوهش در تبیین اثرات و کارکردهای پنهان زیان‌رس به چشم می‌آید.

روش پژوهش

پژوهش حاضر تلاش دارد، اثر دین و مذهب را بر فرهنگ ملی ایرانیان، با رویکرد تفسیری روایت کند. نگاه نظری پژوهش مبتنی بر رویکرد خردگرایانه و منطبق با تحقیقات پیشین و مشاهدات و تجربه‌ی زیسته است. روش پژوهش بر اساس هدف بنیادی و از منظر جمع‌آوری داده‌ها روش توصیفی می‌باشد. از تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها بهره گرفته شده است.

پژوهشگر از داده‌های ثانویه استفاده کرده است که این داده‌ها از مقالات تحقیقی، نشریات، وب‌سایت‌ها و غیره جمع‌آوری شده است. هدف از این مطالعه تبیین و بررسی میزان تأثیر فرهنگ ملی بر امنیت و سلامت جامعه است و وضعیت کارکردهای فرهنگ دینی را بیان می‌کند.

یافته‌ها

ایران از جایگاه ژئوکالچر مرکزی در تمدن ایرانی برخوردار است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند بسیاری از آیین‌های ایرانی ریشه در فرهنگ باستانی دارند (ماکویی، ۱۳۹۵). آیین‌ها و جشن‌ها در فرهنگ ایران‌زمین فعالیت‌هایی نمادین با اهداف و زمان‌های معین‌اند (آقاخانی‌بیژنی و محمدی‌فشارکی، ۱۳۹۹). این آیین‌ها و اسطوره‌ها در نظم اجتماعی و شکل‌گیری جهان‌بینی مردمان نقش مهمی داشته، واقعیت‌های معنوی را بازتاب می‌دهند و لایه‌های پنهان ارزش‌های فرهنگی را آشکار می‌سازند (ترنر[1]، ۱۹۸۴؛ کیانی و سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۶؛ کمپل، ۱۳۷۷). آیین‌ها، علی‌رغم تفاوت ویژگی‌ها، کارکردهای مشترکی هم دارند (گیویان، ۱۳۸۵: ۱۸۲). آیین‌ها در ایران بسیار متنوع‌اند؛ برخی رو به فراموشی رفته و برخی همچنان پابرجا هستند (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۷). محدودسازی آیین‌های ملی و شادی‌آفرین و تمرکز صرف بر مناسک عزاداری در شرایط فشار اجتماعی و اقتصادی، موجب انباشت نارضایتی و بروز واکنش‌های غیرمعمول در جامعه شده است.

از منظر امنیت ملی، میزان تعامل درون‌جامعه‌ای و احساس همبستگی ملی نقش اساسی دارد. پیوند با عناصر فرهنگی و آیین‌های ملی از عوامل تقویت این انسجام است؛ درحالی‌که ایجاد محدودیت برای آیین‌های شاد می‌تواند موجب کاهش احساس تعلق و همبستگی اجتماعی شود. پاسداری از کیان فرهنگی یکی از وظایف اصلی دولت است که شامل جلوگیری از تولید محصولات و اندیشه‌های حامل باورهای معارض، مهار گسترش رفتارهای مغایر با ارزش‌های ملی و پیشگیری از مقابله یا تعارض با باورهای بنیادین ملی می‌شود (جوکار و همکاران، ۱۳۸۹). هم‌افزایی فرهنگ‌ها با تقویت

[1] - Turner

تعامل و رقابت سازنده، بستری برای همکاری و درک مشترک میان جوامع فراهم می‌کند. این فرآیند با تبدیل تفاوت‌ها به فرصت، راه پیشرفت و الهام‌بخشی متقابل را هموار می‌سازد (دهشیری، ۱۳۹۳).

جامعه شاد و منسجم

شادی به‌عنوان حالتی عاطفی مستقل از غرایز و هیجانات (هدفیلد، ۱۳۷۴: ۱۴۵)، یکی از نیازهای بنیادین انسان است و نقش مهمی در موفقیت و رضایت از زندگی دارد (غلامی، ۱۳۹۷: ۹۰؛ میرشاه جعفری و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۰). شادی بیانگر هم‌سویی حیات انسان با نیازهای فردی و اجتماعی و یکی از موهبت‌های الهی و عناصر هویت ایرانی است (باقری خلیلی، ۱۳۸۶: ۵۷). فرهنگ شادی متأثر از سبک زندگی و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه است (فاضلی، ۱۳۹۶: ۵۰). زاکرمن[1] (۱۹۷۹) فعالیت‌های شادی‌آفرین را به دو نوع تقسیم می‌کند: فعالیت‌های آرامش‌بخش و بی‌تحرک، و فعالیت‌های پرتحرک و هیجان‌انگیز که شادی بیشتری ایجاد می‌کنند (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱: ۵۴). در این میان، موسیقی و فعالیت بدنی از مهم‌ترین عوامل ایجاد شادی‌اند و رابطه مستقیمی میان انرژی جسمی و احساس شادی وجود دارد (کووکسس[2]، ۱۹۹۱: ۳۳). در فرهنگ ایرانی، شادی با حرکات موزون و رقص پیوندی تاریخی دارد. سماع صوفیه، نمونه‌ای برجسته از آمیزش موسیقی و حرکت است که در تصوف به عنوان آیینی عرفانی برگزار می‌شد و آثار معنوی و روحانی متعددی داشت (غلامی، ۱۳۹۶:۱۰۵-۱۰۴). شادی افزون بر جنبه عاطفی، از منظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگی نیز قابل بررسی است. بروز شادی مانع انباشت غم در جامعه می‌شود و جوامع شاد از بهره‌وری و توسعه بیشتری برخوردارند.

فرهنگ شادی تابع ارزش‌های فردگرایانه یا جمع‌گرایانه است (فاضلی، ۱۳۹۶: ۵۲). شادی‌های جمعی که در فضاهای عمومی بروز می‌یابند، جنبه آیینی و اجتماعی دارند. شادی به مثابه کنش اجتماعی، دلالت‌های سیاسی دارد و نوع نظام سیاسی بر شکل‌گیری فرهنگ شادی اثر می‌گذارد. در جوامع دموکراتیک، فرهنگ شادی شهروندمحور است، در حالی که در نظام‌های اقتدارگرا شادی محدود و کنترل‌شده است (همان: ۵۰). شادی همچنین از شاخص‌های اجتماعی مهم در سنجش رضایت عمومی، اعتماد و مشارکت اجتماعی است (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۰). با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در ایران طی دوره ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، سطح نشاط حدود ۵.۷ درصد کاهش یافته است (رضوانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۶).

آیین‌های شاد ایرانی

ایرانیان از گذشته‌های دور بر اهمیت شادی در زندگی فردی و اجتماعی واقف بوده‌اند؛ چنانکه در بند اول کتیبه‌ای از داریوش چنین آمده (رستگارفسایی، ۱۳۸۱: ۵۶): «اهورامزدا، این زمین را آفرید، آسمان را آفرید، انسان را آفرید و شادی را برای انسان آفرید». آداب‌ورسوم، آیین و سنن ملی و مذهبی مردم ایران باستان عامل مهمی در شادی و خوشی آنان بوده است (باقری خلیلی، ۱۳۸۶: ۵۷). ایرانیان در هر ماه، جشن یا جشن‌های خاصی برگزار می‌کردند که هم جنبه عبادی داشت و هم به‌نوعی زندگی روزمره آنان از طریق این جشن‌ها سامان می‌گرفت. واژه «جشن» (= یسن) که به معنای ستایش است و بر بخشی از اوستا نیز اطلاق می‌شود (عروج نیا، ۱۳۹۲). نمایش آیین‌ها با ریتم، آهنگ، آواز، سرود،

[1] - Zuckerman
[2] - kovecses

حرکات مختلف نمایان می‌شود. به‌طورکلی سه عنصر اساسی در آیین‌ها اثرگذار و هویداست: ۱. حرکات بدنی، ۲. موسیقی و آواز، ۳. نوشیدنی و غذا.

اگر در یک دسته‌بندی دیگر آیین‌ها را از منظر علت تقسیم‌بندی کنیم، شامل؛ ۱. آیین‌ها غم، آیین‌های شاد می‌شوند.

۱- حرکات بدنی؛ نمود حرکات بدنی در آیین‌های شاد به‌صورت رقص است. رقص سنتی، محلی، مدرن، انواع مختلف؛ ساده، پیچیده و حرفه‌ایی قابل مشاهده است.

رقص، یکی از هنرهای هفت‌گانه که قدمتی همپای تمدن انسان دارد، دنباله‌ای از حرکات هدفمند و نمادین انسانی است که دارای ارزش زیبایی‌شناسانه است و کنشگران آن در فرهنگ‌های متفاوت، جلوه‌های گوناگونی از آن را به اجرا و نمایش می‌گذارند. این هنر انسانی ظرفیت بالایی در توسعه فردی، توسعه اجتماعی و فرهنگی دارد و قابل تبدیل‌شدن به سرمایه‌ای نمادین است (بسته نگار، ۱۴۰۰: ۹۵). رقص، مجموعه‌ای از حرکات موزون، نظام‌مند و ریتمیک است که وحدت می‌آفریند و نتیجه آن ظهور زیبایی و معنا است. رقص، اتحاد فضا و زمان را به نمایش می‌گذارد؛ با حرکت در مکان و اجزای به هم پیوسته هر حرکت در توالی زمان است که زیبایی مجسم خلق می‌شود و با دلالت‌های معنایی همراه است (میرمیران و مسعودی، ۱۳۹۴). رقص ممکن است به‌صورت فردی و یا گروهی انجام شود.

رقص‌ها را در دو دسته‌ی رقص‌های آیینی و رقص بزمی قابل تقسیم‌بندی‌اند. رقص‌های آیینی بیشتر به‌صورت جمعی و در برابر یک عنصرِ طبیعیِ مقدس که به‌صورت ایزد و یا وجودی فراطبیعی بود، انجام می‌شد و این کار برای برخورداری از توانایی‌ها و یا دوری جستن از خشمِ آن موجود مقدس بود؛ همچنین این رقص‌ها در مقابل خرمن محصول انجام می‌گرفت که نیازهای زیستی آنان را تأمین می‌کرد. در مقابل، رقص‌های بزمی به صورت تک نفره و در مقابل امیر و یا بزرگی اجرا می‌شد. یک کاسه فلزی ایلامی که از «ارجان» پیدا شده و تاریخ آن را ۶۵۰ پیش از میلاد تخمین زده‌اند، صحنه جالب توجهی را از مجلس بزم شاهی را نشان می‌دهد. شاه در وسط نشسته و به وسیله گروهی از موسیقیدانان و رقصندگان و بندبازان و کسانی که با چوب راه می‌روند، سرگرم می‌شود (لاورگن[1]، ۲۰۰۲) در این صحنه، رقص‌هایی که برای سرگرم کردن شاه انجام می‌شود، بیشتر صحنه‌های بندبازی و نمایش‌های سرگرم کننده‌ای از این دست است که تفاوت آن‌ها با رقص‌های آیینی کاملاً نمایان است (کامبین، ۱۳۹۵: ۷۱).

رقص‌های اقوام ایرانی ریشه در تاریخ طبیعی و اجتماعی آنان دارد و همانند همهٔ پدیده‌های فرهنگ مردم (فولکلور) برآمده از مفاهیم اصلی زندگی و نتیجهٔ سازگاری با ساختارهای معیشتی، فکری و اخلاقی اقوام بوده و همچنان هم اصالت خود را حفظ کرده است و تا چهار دههٔ گذشته در میان ایل و عشایر و روستاییان به صورتی فعال نمود داشته است. رقص‌هایی ازجمله؛ پرخوانی، مولودی‌خوانی، سماع صوفیان و ... در مناطقی چون گیلان، مازندران، کردستان، کرمانشاه، لرستان، بلوچستان، آذربایجان، خراسان، کرانه‌های خلیج فارس و ... انسان‌ها از دیرباز رقصیده‌اند و همچنان برای جشن‌ها، تداوم زندگی، ارتباط معنوی و اظهار وجود و بروز هویت اجتماعی‌شان می‌رقصند (فرشیدیان‌فر و زنده‌دلان، ۱۳۹۶؛ بسته نگار، ۱۴۰۰: ۹۵). امروزه نمایش بدن و انجام حرکات منظم و ریتمی مورد علاقه همه‌ی اقشار مردم در همه‌ی جوامع است. زیبایی بصری برای بینندگان به همراه دارد. مردمانی که در برگزاری آیین‌ها شرکت کرده‌اند از نمایش بدنی و حرکات افراد و گروه‌ها لذت می‌برند. انگیزه‌ی لازم برای مشارکت و همکاری جمعی در بین

[1] - Lawergreno

مردم بوجود می‌آید. سرمایه فرهنگی و سرمایه بدنی مورد توجه سیاستگذاران در همه کشورها قرار دارد. پیشینه رقص در ایران یک سرمایه فرهنگی قابل اعتنایی است که بی‌مهری به آن باعث ازبین رفتن بخش اعظمی از آیین‌ها و به‌طورکلی فرهنگ ایرانی می‌شود.

حرکات بدنی و نمایش بدنی در مراسم و برگزاری آیین‌های غم مثل مراسم محرم، خاک‌سپاری را در بین اقوام مختلف قابل مشاهده است. نمود حرکات بدنی در آیین‌های غم نیز به‌صورت سینه‌زنی نمایان می‌شود. سینه‌زنی در مراسم عزاداری محرم و عزاداری مرگ افراد اجرا می‌شود. این بخش از آیین‌ها در گذر زمان، شکل‌های مختلفی به خود گرفته است. سینه‌زنی در مراسم و آیین‌های محرم، به‌صورت زنجیرزنی به شانه و پشت، هم دیده می‌شود.

سینه‌زنی و زنجیرزنی با نظم و ریتم خاصی صورت می‌گیرد. در سینه‌زنی افراد به شکل دسته‌جمعی با کف دست بر سینه‌ی خود می‌زنند. سینه‌زنان هم به حالت نشسته و یا ایستاده این آیین را اجرا می‌کنند. برخی از افراد لباس بر تن داشته و برخی سینه‌ها را عریان کرده‌اند. سینه‌زنی گاهی با یک دست و گاه با دو دست انجام می‌شود.

بروگش (۱۲۷۷- ۱۲۷۸ ق/ ۱۸۶۰-۱۸۶۱ م) با مشاهدهٔ مراسم سینه‌زنی نوشته است: سینه‌زنی اصولاً یکی از معمول‌ترین مراسم عزاداری در ایران است و در دسته‌ها آن‌قدر با دو دست بر سینه می‌زنند که پوست آن کنده می‌شود (باقی، ۱۴۰۰). قدمت سینه‌زنی را می‌توان به رحلت پیامبر اکرم (ص) دانست. بنابرنقل عایشه، زنان به‌هنگام رحلت پیامبر (ص)، به عزاداری پرداختند و به سینه و صورت خود می‌زدند[1]. ابن اثیر در حوادث سال ۳۵۲ ق می‌نویسد (فروغی، ۱۳۸۳: ۱۳۲):

«در دهم ماه محرم سال جاری معزّالدوله به مردم دستور داد که دکان‌ها و اماکن کسب را ببندند و غیره و بگریند و بر سر و رو و سینه بزنند و ندبه حسین بن علی رضی اللّه عنهما را بخوانند»[2].

سینه‌زنان با ریتم و ضرب‌آهنگ مشخصی دست‌ها را بر سینه و گاهی بر سر می‌زنند. در بخشی از همین مراسم هم‌آوایی با مداح صورت می‌گیرد و بخشی از نوحه را به صورت دسته‌جمعی می‌خوانند. حرکات دست و بدن در سینه‌زنی از تنوع لازم برخوردار است. گاهی افراد نیم‌خیز شده و گاهی ثابت می‌مانند و گاهی با قدم‌های موزون به آن شکل می‌دهند. افراد گاهی یک دست بر کمر دیگری قرار داده و با دست دیگر بر سینه و یا زنجیر بر شانه و یا پشت می‌زنند. همه‌ی این حالت‌ها بیان حرکات بدنی برای نمایش بهتر آیین سوگواری و غم است. این گونه حرکات در گذر زمان شکل گرفته است. مثلاً زنجیرزنی، متصل به عصر معصوم (ع) نیست و در سده‌های اخیر متداول شده (سلیمانی و سیدکاظمی اردبیلی، ۱۳۹۵: ۲۲۵) و گفته می‌شود مربوط به عهد ناصرالدین‌شاه (مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۲۴؛ منتظرالقائم و کشاورز، ۱۳۹۶: ۵۸) می‌باشد، امروزه یکی از روش‌های مرسوم و رایج عزاداری و سوگواری است.

۲- موسیقی و آواز؛ انواع ترانه‌ها، سازها و آلات موسیقی برای بروز احساسات آدمی در مواقع شادی تهیه شده است. در آیین‌ها و مراسم عروسی، ظاهراً رساندن عروس به خانه بخت بدون سازودهل رسمیت ندارد. همچنین بی‌رقص و پایکوبی، عروسی، عروسی حساب نمی‌شود. نوع و موقعیت اجتماعی عروس و داماد مهم نیست، محل زیست، مهم نیست، خواه شهر باشد، خواه روستا، ساز، رقص و آواز مهمترین بخش مراسم عروسی است و به آن رسمیت می‌بخشد.

---

[1] - ابن هشام، سیرة النبویه، ج ۲، ص ۴۲۸.

[2] - ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۲۶۲-۲۶۱؛ ابی الفرج عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، حیدرآباد، ۱۳۵۹ ق، ج ۷، ص ۱۶-۱۵؛ ابن کثیر، البدایة و النهایه، به اهتمام علی نجیب عطوی، بیروت، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۱، ص ۲۴۳.

کرپن‌ها[1] در هنگام اجرای مراسم قربانی آواز ویژه‌ای می‌خواندند. خنیاگری نقش بزرگی در آیین مهر داشته و از آنجا وارد مسیحیت و عرفان فارسی شده است (عطایی، ۱۳۸۲: ۴۲). نظامی در خسرو و شیرین نام سی لحن از الحان موسیقی را که ساخته، می‌آورد که بیست‌ویکمین لحن مربوط به مهرگان بوده و مهرگان بزرگ نیز نام پرده‌ای در موسیقی بوده است (رضی، ۱۳۸۲). در کلیساها همانند معابد مهری با صدای بلند آواز می‌خوانند. این رسم را کاردینال آمبروسوس[2] رواج داد. به گفته‌ی هانری برونیز آواز مولتی فونیک که در آن خوانندگان کلیسا به دو دسته تقسیم می‌شوند و آیه‌های کتاب مقدس را به صورت سئوال و جواب می‌خوانند از ایران قدیم در قرن چهارم به بیزانس رفته است (عطایی، ۱۳۸۲: ۴۳؛ فتایی، ۱۳۸۴). آیین‌های ملی و محلی با عناصر شادی‌آفرینی همچون موسیقی و انواع بازی‌ها اجرا می‌شدند.

نوحه‌سرای و روضه‌خوانی در مراسم غم یک وسیله مهم برای بروز احساسات و نمایش آیینی است. استفاده از شیپور، طبل، سنج، ترانه‌های آهنگی و دیگر وسایل موسیقی در مراسم و آیین‌های عزاداری کاملاً مرسوم بوده و امری رایج و عادی است.

۳-نوشیدنی و غذا؛ انواع نوشیدنی‌ها در انواع آیین‌ها مورد مصرف قرار می‌گیرد. در آیین‌های شاد به صورت شراب و انواع شربت‌ها و در آیین‌های غم مثل مراسم محرم، چای و شربت است. نوشیدن در آیین‌ها از شیوه و منزلتی برخوردار است.

مردم در ایران باستان در مراسم تشرف و ویژگی‌های آیین مهر، می می‌نوشیدند و در معابدشان مقادیر زیادی شراب بود، زیرا گذشته از اینکه معتقد بودند شراب یک نوشیدنی معنوی است و هر کس در آخرت باید آن را با خود داشته باشد، بر این باور بودند شخصی که وارد معبد مهری می‌شود باید با مهر رو راست باشد؛ زیرا مهر نماد حقیقت است. بنابراین، مقدار زیادی مِی می‌خوردند تا چهره‌ی واقعی خود را نمایان سازند (رستم پور، ۱۳۸۲: ۱۳۵). در جشن تیرگان ایرانیان به میمنت پیروزی منوچهر بر افراسیاب در ۱۳ تیرماه «یعنی تیر روز از تیرماه» جشن می‌گرفتند و شادی می‌کردند. در این جشن ایرانیان آشی نذری تهیه می‌کردند و بین یکدیگر تقسیم می‌کردند. این رسم امروزه نیز بین ایرانیان در اعیاد مذهبی مشاهده می‌شود (قدیانی، ۱۳۸۴: ۹۰۸). در جشن مهرگان که بعد از نوروز بزرگ‌ترین جشن ایرانیان باستان بود و شش روز طول می‌کشید، مانند نوروز هفت‌چین بر سر سفره می‌گذاشتند، این هفت‌چین بنا بر نوشته‌های مورخین ایرانی و عرب شامل لیمو، شکر، نیلوفر، به، سیب، یک خوشه انگور سفید بود (رضایی، ۱۳۷۴: ۴۹۴). در جشن بهمنگان که در روز دوم بهمن‌ماه انجام می‌گرفت، ایرانی‌ها خوراکی‌هایی در این مراسم استفاده می‌کردند که ابوریحان بیرونی در کتاب «التفهیم» برخی از آن‌ها را نام برده است: «ایرانیان در این روز بهمن‌سفید [نام گیاهی] با شیر خالص و پاک می‌خورند (همان: ۴۹۹). حذف هر یک از این سه عنصر از آیین‌های «شادی‌آفرین» و «غم‌انگیز»، به ازبین‌رفتن آیین مربوطه می‌انجامد. رقص، یکی از نمودهای مهم اجرای آیین‌ها در طول تاریخ بوده و همواره حاکمان در جوامع مختلف از این عنصر به شیوه‌های گوناگون بهره برده و از آن حمایت کرده‌اند. نتیجهٔ این حمایت، تداوم آیین‌ها و پدیدآمدن انواع رقص‌ها بوده است. امروزه رقص از دیدگاه حاکمیت ممنوع است، اما در اذهان عمومی جامعه، مهم‌ترین عنصر شادی‌آفرین به شمار می‌رود.

[1] – واژه‌ی قربان و قربانی را هم از همین کرپن می‌دانند. کرپن در سانسکریت به معنی اجرا کنندهٔ آداب مذهبی است (دوست خواه، ۱۳۷۵: ۱۰۳۱).

[2] - Ambrosius

تداخل عناصر فرهنگی

فرهنگ یک جامعه از عناصر مختلفی شکل گرفته است. این عناصر به‌صورت مستقل و در ارتباط باهم نمود پیدا می‌کنند. در جوامع ایدئولوژیک گاهی برخی از عناصر بر دیگر عناصر قالب شده و حکمرانان به بخشی از فرهنگ آن جامعه توجه کرده و سعی می‌کنند سایر بخش‌ها و عناصر فرهنگی را نادیده بگیرند و یا حذف کنند.

حذف عناصر فرهنگی که ریشه در تاریخ ملتی داشته باشد، به‌سختی صورت می‌گیرد. این نادیده‌گرفتن و حذف، اگرچه باعث ازبین‌رفتن کامل فرهنگ نمی‌شود، اما قطعاً کم‌رنگ‌شدن و تغییر و دگرگونی عناصر فرهنگی را در پی دارد. گاهی عناصر فرهنگی بیگانه جایگزین بخشی از عناصر فرهنگی می‌شوند که حاکمیت سعی در پنهان‌کردن و ازبین‌بردن آن‌ها دارد. مثال بارز این مسئله را می‌توان در چهار دهۀ اخیر، در آیین‌های ملی کشور ایران مشاهده کرد. نادیده‌گرفتن یا حذف رسمی و غیررسمی آیین‌های شاد ایرانی و جایگزینی و قوت‌بخشیدن به آیین‌های مذهبی، موجب شده است تا نسل جوان به آیین‌های شاد بیگانگان توجه کنند و آن‌ها را جایگزین آیین و رسوم کشور خود نمایند. نمونۀ آشکار این تغییر هویت ملی را در جشن‌های بین‌المللی نظیر کریسمس، هالووین، ولنتاین و ... می‌توان دید که ایرانیان در این روزها به شادی و سرور می‌پردازند. این رفتار ایرانیان، نشانۀ خودباختگی فرهنگی است. جایگزین‌شدن این عناصر فرهنگی غربی به‌جای عناصر اصیل فرهنگ ایرانی، خطر نابودی آیین‌های ایرانی را به دنبال دارد؛ این در حالی است که آیین‌های ایرانی، با توجه به حوزۀ فرهنگی ایران، توانایی رقابت با عناصر فرهنگی و آیینی جهانی را دارند

امروزه نادیده گرفتن عناصر واقعی آیین‌هایی نظیر نوروز، کم‌رنگ کردن و مدیریت نادرست آن ازسوی مسئولین و حکمرانان، باعث جایگزینی و نادیده انگاری این آیین‌ها شده است. عناصری نظیر چهارشنبه سوری که با واردات بی‌رویه انواع مواد منفجره که ارتباطی با فرهنگ اصیل ایرانی ندارد، جوی از حوادث ناگوار را برای نوجوانان و جوانان به‌وجود آورده است و یا با استفاده عامدانه از واژه‌ی «روز طبیعت» به‌جای «سیزده‌بدر» سعی در پنهان کردن رسوم تاریخی ایران کرده‌اند. نمونه دیگر آن حذف سفره هفت‌سین در سخنرانی نوروزی برخی از مسئولین از تلویزیون[1] اشاره کرد. البته آیین‌هایی نظیر نوروز که هویتی جهانی دارد به‌طور کامل ازبین نمی‌روند؛ اما باعث ناکامی کشور در استفاده از فرصت‌های فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جهانی را به دنبال دارند. افکار مذهبی قالب بر آیین‌های شاد باعث شده است تا از همه‌ی توان فرهنگی این گونه از آیین‌ها سود برده نشود.

برخی از آیین‌های ایرانی، در کشورهای حوزه فرهنگی ایران قابل مشاهده است، ولی در ایران مورد بی‌مهری واقع شده‌اند، این بی‌توجهی نگران کننده است. بخش دیگر آیین‌ها نظیر؛ جشن تیرماه‌سیزده‌شو، جشن‌های گاهنبار، جشن خرمن، جشن انار و غیره را می‌توان نظاره کرد که در ایران وجود داشتند و هنوز در بخش‌هایی اجرا می‌شوند ولی فراگیر و جهان‌شمول نیستند. در حالی‌که می‌توان به آن‌ها توجه کرد و به‌عنوان آیین‌های ملی قوت بخشید و در دیپلماسی فرهنگی در صلح و دوستی بین ملت‌ها از آن‌ها استفاده کرد.

شادی به عنوان یک نیاز اساسی انسان، نقش حیاتی در موفقیت فردی و انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. آیین‌های شاد و غم، با بهره‌گیری از عناصری مانند حرکات بدنی، موسیقی و غذا، بستری برای بروز و تنظیم عواطف جمعی فراهم می‌کند. جدول ۲، عناصر، تأثیرات و منابع آیین‌های شاد و غم در جامعه ایران را نشان می‌دهد.

[1] - https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-3852086

جدول ۲. عناصر، تأثیرات و منابع آیین‌های شاد و غم در جامعه ایران

محور بررسی	آیین‌های شاد	آیین‌های غم (نمونه: مراسم محرم)	منابع
تعریف و نقش	نیاز اساسی انسان، عامل موفقیت فردی، تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی، جلوگیری از انباشت غم، الزامی برای توسعه جامعه.	نمایش و مدیریت جمعی غم و اندوه.	هدفیلد، ۱۳۷۴؛ غلامی، ۱۳۹۷؛ باقری خلیلی، ۱۳۸۶؛ میرشاه جعفری و دیگران، ۱۳۸۱؛ فاضلی، ۱۳۹۶؛ شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ رضوانی و همکاران، ۱۴۰۰
عناصر اصلی تشکیل‌دهنده	حرکات بدنی: رقص (سنتی، محلی، آیینی مانند سماع) موسیقی و آواز: ساز و آواز در جشن‌ها (مانند عروسی) نوشیدنی و غذا: شراب، شربت، غذاهای نذری (در جشن‌هایی مانند تیرگان و مهرگان)	حرکات بدنی: سینه‌زنی و زنجیرزنی ریتمیک موسیقی و آواز: نوحه‌خوانی و روضه‌خوانی با استفاده از سازهایی مانند طبل و سنج نوشیدنی و غذا: چای و شربت	غلامی، ۱۳۹۷؛ بسته نگار، ۱۴۰۰؛ میرمیران و مسعودی، ۱۳۹۴؛ کامبین، ۱۳۹۵؛ عطایی، ۱۳۸۲؛ رضی، ۱۳۸۲؛ رستم پور، ۱۳۸۲؛ قدیانی، ۱۳۸۴؛ رضایی، ۱۳۷۴؛ سلیمانی و سیدکاظمی اردبیلی، ۱۳۹۵؛ منتظرالقائم و کشاورز، ۱۳۹۶
وضعیت و چالش‌ها در ایران	کاهش نمره نشاط در سال‌های اخیر محدودیت‌های رسمی و غیررسمی و ممنوعیت‌ها (مانند رقص) بی‌مهری و کم‌رنگ شدن آیین‌های ملی (مانند چهارشنبه‌سوری، سیزده‌بدر) جایگزینی آیین‌های غربی (کریسمس، ولنتاین) به دلیل فقدان فضای شاد داخلی	تداوم و قوت گرفتن در فضای عمومی دریافت حمایت رسمی	رضوانی و همکاران، ۱۴۰۰؛ فاضلی، ۱۳۹۶
پیامدهای کلی	ضعیف هویت ملی و سرمایه فرهنگی از دست دادن فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم انباشت نارضایتی و فشار روانی در جامعه کاهش بهره‌وری و مانع تراشی در راه توسعه	حفظ یک بخش از فرهنگ در کنار تضعیف بخش دیگر (شادی)	فاضلی، ۱۳۹۶؛ شریف‌زاده و همکاران،۱۳۹۶

بر اساس یافته‌های جدول که مبتنی بر منابع علمی متعدد است، آیین‌های شاد با دارا بودن عناصر مشخصی چون رقص، موسیقی و غذا، جزئی لاینفک از هویت و سلامت اجتماعی ایران محسوب می‌شوند. با این حال، محدودیت‌های اعمال شده بر این آیین‌ها و بی‌توجهی به آن‌ها، نه تنها منجر به کاهش شادی و انسجام اجتماعی شده، بلکه پیامدهای منفی گسترده‌ای به همراه داشته است. از جمله این پیامدها می‌توان به تضعیف هویت ملی، از دست رفتن فرصت‌های فرهنگی در عرصه بین‌المللی، و گرایش نسل جوان به آیین‌های بیگانه اشاره کرد. این امر نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی یک‌سویه و نادیده گرفتن بخشی از فرهنگ غنی ایران، در درازمدت به انسجام ملی و توسعه همه‌جانبه کشور آسیب می‌زند .تقویت و احیای آیین‌های شاد ملی، همانطور که در متون علمی نیز بر آن تأکید شده، می‌تواند به خروج از این وضعیت و تقویت سرمایه فرهنگی و اجتماعی بینجامد

نتیجه‌گیری

آیین‌های هر کشور و ملتی جزء فرهنگ آن کشور محسوب می‌شود. انسان‌ها در ادوار مختلف برای خود و رویدادهای پیرامون زندگی‌شان آیین‌ها و مراسم مختلف و متعددی ابداع کرده‌اند و همواره این آیین‌ها در گذر زمان دستخوش تغییرات و دگرگونی‌هایی شده‌اند. اما آن بخش از آیین‌ها که مورد احترام آحاد ملت در ادوار مختلف بوده به نسل بعدی منتقل و این انتقال باعث ماندگاری آن‌ها شده است. آیین‌ها همواره مورد احترام ایرانیان بوده و اگرچه در برهه‌ای از زمان بواسطه تهاجم و یا افکار حاکمان با برخی از این آیین‌ها بی‌مهری شده ولی مردمان ایران زمین سعی در حفظ و حراست آن کرده‌اند. این نگهبانی از ارزش‌های فرهنگی باعث دوام و تداوم فرهنگی ایرانیان شده است. این قدرت فرهنگی باعث شده تا بسیاری از آیین‌های ایرانی به سایر ملل و کشورها اشاعه و یا انتقال یابد. مساله اصلی آن است که توجه به آداب و آیین‌های ملی و به‌خصوص آیین‌های شادی‌آفرین، باعث حضور ملل دیگر در ایران می‌شود و ارزش‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطات سیاسی و غیره را با خود به همراه دارد.

در ایران امروز، رقص‌های سنتی و آیینی هم به عنوان میراث فرهنگی و هم به عنوان رسانه‌ای برای انتقال فرهنگ عمل می‌کنند (آژند و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۱). این حرکات فیزیکی، به عنوان ورزشی غیررقابتی، اثرات مثبت جسمانی و روانی دارند و حتی حرکات مناسکی در اسلام نیز تأثیراتی بر امواج مغزی و سیستم اعصاب نشان داده‌اند (محمدزاده و بالازاده، ۱۳۹۴: ۵۳). با این حال، ایجاد فضای بانشاط و دارای امنیت که برای پیشگیری از مشکلات روانی–اجتماعی ضروری است، مورد غفلت واقع شده است (نوربالا، ۱۳۹۰: ۱۵۳). مسائل اجتماعی ایران محصول بی‌سازمانی اجتماعی گسترده، شامل تقابل ارزشی، تضاد نهادها، کاهش سرمایه اجتماعی و آشفتگی هنجاری است (عشایری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۸). جامعه ایرانی، جامعه‌ای هیجانی، نگران، غمگین، حرمت‌شکن، غیرقابل پیش‌بینی و به تعبیر برخی بزرگان و مسئولان غیراخلاقی، قانون‌گریز و نظارت‌ناپذیر است، که همگی از عوامل خطر بروز اختلال روانی و بیماری‌های روان‌تنی است و باید توجه داشت که بار آسیب‌های اجتماعی و اختلال‌های روانی بر سلامت، فرهنگ و اقتصاد جامعه قرار دارد (نوربالا، ۱۳۹۰: ۱۵۳). انباشتگی غم و غصه در بین آحاد جامعه و مشکلات سلامت روان، سیاست‌های اقتصادی نادرست (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷)، افزایش فشار اقتصادی (عشایری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۰)، مسائل حل نشده سیاسی و حاکمیتی، چهره‌ی نامطلوب ایران در سطح جهانی و سایر مسائل دیگر بر میزان ناراحتی‌ها و غم ایرانیان افزوده است و بی‌توجهی به

توانایی آیین‌های شاد و کارکردهای رسوم شادی ایرانیان موجب گسست جامعه ایران می‌شود. انسجام اجتماعی در نتیجه شرایط موجود ازبین رفته و آیین‌ها از کارکرد واقعی خود که موجب انسجام و آرامش جامعه می‌شوند، فاصله گرفته و بر مشکلات و مسائل موجود اضافه می‌کنند.

بسیاری از آیین‌های ایرانی که در بین کشورهایی که با ایران اشتراک‌های فرهنگی دارند، نیز رواج داشته، اما امروزه در ایران مورد بی‌مهری واقع شده و توجه کافی صورت نمی‌گیرد. آیین سده، جشن نوسره، جشن فرورگان، جشن اردیبهشت‌گان، جشن خردادگان، جشن تیرگان، جشن امردادگان، جشن شهریورگان، جشن مهرگان، جشن آبانگان، جشن آذرگان، جشن دیگان (خرم روز)، جشن بهمنگان، جشن سپندارمذگان، جشن‌های گاهنبار، جشن خرمن، جشن انار و غیره باید بازتولید شوند و مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان حاکمیت قرار گیرد. با به‌روزرسانی و بازتولید جشن‌های محلی سعی در جهان‌شمولی آن‌ها شود. آیین‌ها و جشن‌ها باعث توجه سایر ملت‌ها به ایران می‌شود که این نادیده‌انگاری فرصت، ضررهای زیادی را برای اقتدار نرم ایران در پی خواهد داشت.

جشن‌های جمعی، برخلاف مناسک دینی، به‌راحتی با نیازهای زندگی سازگار می‌شوند. برگزاری این جشن‌ها باعث شادابی جامعه، کاستن از فشارهای روانی و کاهش درگیری‌های اجتماعی می‌شود (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۷). همچنین، دولت با فراهم‌سازی بستر مناسب برای مشارکت فعال شهروندان در انجمن‌های داوطلبانه، زمینه تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای اعتماد تعمیم‌یافته در جامعه به سمت حکمرانی مطلوب گام بردارد. محدودیت‌های قوانین حاکمیتی که در نوع شادی، جشن‌ها و آیین‌های ملی اعمال می‌شود از برگزاری برخی رفتارها نظیر رقص و آواز در کنار این رویدادها جلوگیری می‌کند. در نتیجه هم‌آوایی مردمانی که برای تماشای رویدادهای آیینی مراجعه می‌کنند، عملاً مشارکت لازم را با این گونه از مراسم به همراه ندارد و تماشاچیان منفعل هستند. این امر موجب می‌شود مردمان سایر کشورهایی که با ایران اشتراکات فرهنگی دارند و علاقمند به این نوع از آیین‌ها هستند برای دیدن و تماشای نحوه‌ی برگزاری مراسم آیینی به ایران سفر نکنند و یا میزان بازدید مسافران خارجی بسیار اندک باشد.

افزایش مشارکت افراد در رویدادهای اجتماعی، بهبود سلامت اجتماعی را به همراه دارد (حاتمی، ۱۳۸۹؛ راد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۸). سلامت اجتماعی با رفتارهای اجتماع پسند و مسئولیت‌پذیری در جامعه و جایگاه اجتماعی ارتباط دارد (سام‌آرا، ۱۳۸۸: ۱۲؛ راد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۰). فرهنگ ایرانی مبتنی بر آیین‌های شادی‌آفرین است؛ ایجاد مراسم مذهبی غمگین باعث تقابل با فرهنگ شادی ایرانیان می‌شود. اجرای مراسم پی در پی عزاداری و سوگواری‌های مذهبی باعث انباشتگی غصه و ناراحتی در ایرانیان شده و مردم شاد ایران تحمل این‌همه غم، سوگواری و اندوه ناشی از مناسک مذهبی را نداشته و در درازمدت نتایج معکوس نشان می‌دهد و در نهایت با این گونه از رفتار مذهبی مخالفت می‌کنند.

منابع

۱) آژند، ی.، آقایی، س.، و امیریان‌دوست، ش. (۱۳۹۸). تبارشناسی حرکات آیینی موزون با سماچه (فرایند تاریخی و خاستگاه اجتماعی–اعتقادی). *کیمیای هنر*، ۸ (۳۲)، ۵۱–۳۷.

۲) آقاخانی بیژنی، م.، و محمدی فشارکی، م. (۱۳۹۹). تحلیل کارکردهای اجتماعی آیین‌ها و جشن‌ها در شاهنامه، بر اساس نظریهٔ امیل دورکیم. جستارهای نوین ادبی، ۵۳ (۲۱۰)، ۴۶–۲۵.

۳) ابوالفضلی کریزی، ح.، و پسندیده، ا. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی و موانع توسعه‌ای آن در دوران جمهوری اسلامی. مطالعات راهبردی فرهنگ، ۱ (۴)، ۹-۲۹.

۴) احمدی‌بیغش، ف.، و منصوری، ز. (۱۴۰۱). تبیین وحیانی فرهنگ‌دینی در پرتو نماز. پویش در آموزش علوم انسانی، ۷ (۲۶)، ۱۱۱-۱۲۶

۵) ادیب، م (۱۳۸۰). فرهنگ دینی و ملی، بشارت، شماره ۲۷.

۶) باباجانی محمدی، س.، مرتضوی، س.، مهارتی، ی.، و تهرانی، ر (۱۳۹۶). بررسی نقش واسط سوگیری روانشناختی در رابطه بین ابعاد فرهنگ ملی و رفتارهای غیرعقلایی، مدیریت اجرایی، ۹(۱۷)، ۱۰۳-۸۱.

۷) باقری خلیلی، ع.ا (۱۳۸۶). شادی در فرهنگ و ادب ایرانی، مطالعات ملی، ۸(۳۰)، ۸۰ -۵۳.

۸) باقی، ع (۱۴۰۰). سینه زنی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، https://www.cgie.org.ir

۹) بسته نگار، م (۱۴۰۰). رقص، سرمایه‌ای نمادین؛ گزینه‌ای برای توسعه گردشگری ایران، باغ نظر، ۱۸(۹۶)، ۱۰۴-۹۵.

۱۰) بهشتی، ص.، مرادی، ر.، و خلیلی دره بنگ، ر. (۱۳۹۹). تبیین جامعه شناختی رابطه‌ی احساس امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، ۱۸ (۲)، ۱۷۳-۱۸۸.

۱۱) بیدالله‌خانی، آ.، و چاهه، ع. (۱۳۹۲). آیین‌ها و مولفه‌های فرهنگ ایرانی بستر گسترش ارتباطات بین‌المللی ایران، فصلنامه جامعه، فرهنگ و رسانه، ۳(۹)، ۸۹-۷۱.

۱۲) پوررستمی، حامد (۱۳۹۵). «چیستی و ترابط معنایی «فرهنگ» و «دین» در «فرهنگ دینی»، نشریه اندیشه نوین دینی، سال ۱۲، شماره ۴۷، صص ۱۳۸-۱۱۹.

۱۳) تسلیمی، م.، فرهنگی، ع.، عابدی جعفری، ح.، و رازنهان، ف. (۱۳۸۹). مدل اثرگذاری فرهنگ ملی بر کار تیمی در ایران، راهبرد، ۱۳۸۹(۱۱-۱۲)، ۱۶۱-۱۲۷.

۱۴) توسلی رکن آبادی، م.، شریفی، س.، و افشاری، ع. (۱۳۹۸). بازشناسی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، سیاست متعالیه، ۷(۲۶)، ۳۳۱ - ۳۱۰.

۱۵) توکل، م.، اخلاصی، ا.، و رسولی نژاد، پ.(۱۳۹۹). مرور نظام مند مطالعات ناظر به تعیین کننده‌های سلامت روان در جامعه ایرانی مورد کاوش: مقالات علمی پژوهشی داخلی ۱۳۹۹-۱۳۸۵، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۷(۲۳)، ۱-۴۶.

۱۶) جوکار، م.، براری، ا.، و طوسی، م. (۱۳۸۹). درآمدی نظری بر چیستی رابطه فرهنگ ملی و امنیت ملی در ایران، مطالعات ملی، ۱۱(۴۱)، ۱۷۸ -۱۵۵.

۱۷) جولایی، م.، و انتظاری، ع (۱۴۰۰). تطور سیاست‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت‌های پس از انقلاب، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۵(۱۹)، ۱۷۰ -۱۳۷.

۱۸) حاتمی، پریسا. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه علامه طباطبایی - دانشکده علوم اجتماعی.

۱۹) دماری، ب.، امامی رضوی، ح.، حاجبی، ا.، و الهی، ا. (۱۴۰۰). رفتارهای اجتماعی مطلوب؛ ضرورت ارتقای سلامت اجتماعی ایرانیان. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی. دوره ۱۹ (۲)، ۱۲۳-۱۳۶.

۲۰) دماری، ب.، ناصحی، ع.، و وثوق مقدم، ع. (۱۳۹۲). برای ارتقای سلامت اجتماعی ایرانیان چه کنیم؟ مروری بر وضع موجود، راهبردهای ملی و نقش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی. ۱۱ (۱)، ۴۵-۵۸.

۲۱) دوست خواه، جلیل (۱۳۷۵). اوستا: گزارش سروده‌ها و متن‌های ایرانی، ج ۲. تهران: مروارید.

۲۲) دوستدار، آرامش (۱۳۵۹). ملاحظات فلسفی در دین علم و تفکر؛ بینش دینی و دید علمی، تهران: انتشارات آگاه.

۲۳) دوستدار، آرامش (۱۳۸۷). خویشاوندی پنهان، به کوشش بهرام محیی، کلن: انتشارات فروغ؛ نشر دانا.

۲۴) دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). جایگاه هم‌افزایی فرهنگی در توسعه اجتماعی کشور، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶، (۲)، ۴۴ -۲۵.

۲۵) راد، فیروز. محمدزاده، فاطمه. محمدزاده، حمیده. (۱۳۹۴). «دین و سلامت اجتماعی: بررسی رابطهٔ دین داری با سلامت اجتماعی (مطالعهٔ موردی: دانشجویان دانشگاه پیام نور مرند)». علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۲(۲)، ۱۳۷-۱۶۸.

۲۶) رستگارفسایی، منصور (۱۳۸۱). فردوسی و هویت‌شناسی ایرانی، تهران: طرح نو.

۲۷) رستم پور، سالومه (۱۳۸۲). مهرپرستی در ایران، هند و روم. [بی جا]: خورشیدافروز.

۲۸) رشیدپور، علی. شاهنوروزی، مهدی. ایرانپور. سارا (۱۳۹۳). اقتصاد فرهنگ و جهانی‌شدن: مفاهیم و نظریه‌ها. تهران: مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.

۲۹) رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۴). اصل و نسب دین‌های ایران باستان. تهران: رضایی.

۳۰) رضوانی، ز.، نیازی، م.، حسینی زاده آرانی، س.، و سخایی، ا. (۱۴۰۰). فراتحلیل مطالعات رابطه سرمایه اجتماعی و شادی در ایران سال ۱۳۹۰-۱۳۹۸، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۳(۴۷)، ۱۳۴-۹۳.

۳۱) رضی، هاشم (۱۳۸۲). مهر و مهرگان در ایران. اطلاعات. ۱۶ مهر.

۳۲) رفیعی، ح.، مدنی قهفرخی، س.، و وامقی، م. (۱۳۸۷). مشکلات اجتماعی در اولویت ایران. جامعه شناسی ایران، ۹(۱ و ۲)، ۱۸۴-۲۰۸.

۳۳) سام آرام، ع. (۱۳۸۸). بررسی رابطهٔ سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه‌محور. فصل‌نامهٔ علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، (۱)، ۹-۲۹.

۳۴) سلیمانی، ا.، و سیدکاظمی اردبیلی، س. ص. (۱۳۹۵). تحلیلی بر مناط بدعت و مشروعیت مناسک عزاداری. علوم اجتماعی، ۱۰(۳۴)، ۲۰۹-۲۳۰.

۳۵) شریف‌زاده، ف.، و قلی پور، ر. (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱(۴)، ۹۳-۱۱۰.

۳۶) شریف‌زاده، ح. الس.، میرمحمدتبار، س. ا.، و عدلی‌پور، ص. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی در ایران؛ فراتحلیلی از تحقیقات موجود. راهبرد فرهنگ، ۱۰(۴۰)، ۱۵۹-۱۸۰.

۳۷) شعبانی صمغ آبادی، ر.، و کاووسی، س. ز. (۱۴۰۰). حقوق جامعه اقلیت دینی و مذهبی در تاریخ معاصر ایران. فقه و حقوق نوین، ۲(۶)، ۴۱–۶۲.

۳۸) زهیری، ع. (۱۳۹۳). نسبت سنجی بوم شناسانه الگوی حکمرانی خوب. علوم سیاسی، ۱۷(۶۶)، ۸۷–.

۳۹) عروج‌نیا، پ. (۱۳۹۲). شادی در حکمت قدیم ایران و تأثیر آن در ایران اسلامی. فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، ۹ (۱)، ۳۹–۲۳.

۴۰) عشایری، ط.، جهان‌پرور، ط.، احمدی می‌لاسی، م.، و سوری، م. (۱۴۰۰). مرور نظام‌مند مسائل اجتماعی ایران: بازه زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۰. جامعه‌شناسی ایران، ۲۲ (۳)، ۱۲۰–۱۵۲.

۴۱) عطایی، امیر (۱۳۸۲). بنیادهای عرفان ایرانی، آناهید. سال اول، پیش شماره.

۴۲) عیوضی، م. ر.، و مرزبان، ن. (۲۰۱۶). بررسی مولفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره). مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۵ (۳)، ۱۱۷–۱۳۷.

۴۳) غلامی، م. (۱۳۹۶). حیرانی ارتجالی: در مبادی و مبانی عرفان و تصوف. نوید شیراز.

۴۴) غلامی، م. (۱۳۹۷). نظریه شادی مولانا در فیه مافیه. نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، ۱۲ (۱)، ۸۹–۱۰۸.

۴۵) فاضلی، ن. (۱۳۹۶). مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی شادی. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۶ (۲۳)، ۳۳–۷۳.

۴۶) فتایی، گ. (۱۳۸۲). آیین مهر و تأثیر آن بر فرهنگ ایرانی، اسلامی. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۹ (۳۳).

۴۷) فرشیدیان‌فر، س.، و زنده‌دلان، آ. (۱۳۹۶). بررسی هنرهای نمایشی (رقص فولکوریک) و تأثیر آن بر ارتقای تعاملات اجتماعی در اقوام مختلف در خراسان. مقاله ارائه شده در دومین همایش بین‌المللی عمران، معماری و شهر سبز پایدار، همدان، ایران.

۴۸) فروغی، ا. (۱۳۸۳). نگاهی به پیشینه عزاداری در اسلام (قبل از صفویه). مشکوة، ۲۳ (۸۴–۸۵)، ۱۳۱–۱۴۲

۴۹) قدیانی، عباس (۱۳۸۴). فرهنگ توصیفی تاریخ. جلد ۲. تهران: فرهنگ مکتوب.

۵۰) قهرمان پور، رحمن. (۱۳۸۳). تحلیل تکوین گرایانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، ۷(۱)، ۸۸–۷۱.

۵۱) قیدرلو، کمیل. جانقربان، مریم (۱۴۰۱). اکوسیستم فرهنگی؛ تأملاتی در باب فرهنگ و الگوی حکمرانی فرهنگ‌پایه در جمهوری اسلامی ایران، دوفصلنامه دین و سیاست فرهنگی، ۹(۱)، ۴۸–۷.

۵۲) کاردان، عباس (۱۳۸۶). فرهنگ ملی و محلی در عصر جهانی شدن، ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۱۳۸۶(۱۰–۱۱)، ۶۲–۷۰.

۵۳) کامبین، مینا (۱۳۹۵). تفاوت رویکرد هندیان و ایرانیان به رقص‌های آیینی و دلایل آن، فصلنامه پازند، ۱۲(۴۴)، ۶۷–۸۳.

۵۴) کلانتری، میترا؛ کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۱). دین داری در نسل‌های مختلف (مطالعه موردی شهرستان ساری)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱(۲)، ۲۰۰ -۱۷۳.

۵۵) کمپل، ج (۱۳۷۷). قدرت اسطوره. ترجمهٔ عباس مخبر. تهران: مرکز.

۵۶) کیانی، ا.، و سمیعی اصفهانی، ع. (۱۳۹۶). بررسی نقش و کارکرد نمادهای مناسکی در همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۱(۴۱)، ۵۱-۷۰.

۵۷) گرائیلی، ه.، مطلبی، م.، ابوالفضلی کریزی، ح.، و همتیان، ه. (۱۳۹۸). فرهنگ سیاسی نخبگان و حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی دولت اصلاحات). جستارهای سیاسی معاصر، ۱۰(۴)، ۱۴۷-۱۷۴.

۵۸) گیویان، ع. (۱۳۸۵). آیین، آیینی‌سازی و فرهنگ عامه پسند دینی: تأملی در برخی بازنمایی‌های بصری دینی و شیوه‌های جدید مداحی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲(۵)، ۱۷۹-۲۱۱.

۵۹) لباف، ح.، و دلوی، م. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر فرهنگ ملی بر نظام مدیریت. مهندسی فرهنگی، ۲(۱۴)، ۴۹-۶۱.

۶۰) ماکویی، س. (۱۳۹۵). جلوه‌های کارکردی صلح در آیین نوروز؛ ثبات، عدالت، رهایی. فرهنگ مردم ایران، ۴۴، ۷۵-۹۱.

۶۱) محمدزاده، ر.، و بالازاده، ا. (۱۳۹۴). تأثیر حرکات فیزیکی و موزون آیینی و مناسکی بر سلامت روان تنی. طب و تزکیه، ۲۴(۳)، ۵۳-۵۷.

۶۲) مزینانی، م (۱۳۹۹). حکمرانی فرهنگی در نظام اسلامی، مقالات دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، مدرسهٔ حکمرانی شهید بهشتی، https://governanceschool.ir/file/download/download/1622893516-10.pdf?language=fa

۶۳) مظاهری، م (۱۳۹۰). رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیأت‌های مذهبی در ایران: با تأکید بر دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

۶۴) معصوم‌زاده، س.، سرایی، س.، و رضائیان، م. (۱۴۰۰). راهبردهای بهره‌گیری از ظرفیت‌های سینمای ایران با رویکرد معرفی سیمای فرهنگ ایرانی در عرصه بین‌الملل. نشریه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۲۲ (۵۶)، ۲۶۵-۲۸۸.

۶۵) مقتدائی، م.، و ازغندی، ع. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. علوم سیاسی، ۱۲(۳۴)، ۷-۲۶.

۶۶) منتظرالقائم، ا.، و کشاورز، ز. س. (۱۳۹۶). بررسی تغییرات اجتماعی مراسم و مناسک عزاداری عاشورا در ایران. شیعه‌شناسی، ۱۵(۵۸)، ۳۷-۷۲.

۶۷) موسوی‌زاده، ع.، و جاودانی‌مقدم، م. (۱۳۸۷). نقش فرهنگ ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. دانش سیاسی، ۴(۸)، ۱۸۷-۲۲۶.

۶۸) مؤمنی، م.، صرافی، ظ.، و قاسمی خوزانی، م. (۱۳۸۷). ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی-فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر مشهد. فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۶(۱۱)، ۱۱-۳۸.

۶۹) میراحمدی، م.، و احمدی، ع. (۱۳۹۶). درآمدی انتقادی بر نظریه امتناع تفکر در فرهنگ دینی. نشریه جستارهای سیاسی معاصر، ۸(۲۵)، ۱۰۵-۱۲۲

۷۰) میرشاه جعفری، ا.، عابدی، م.، و دریکوندی، ه. (۱۳۸۱). شادمانی و عوامل مؤثر بر آن. تازه‌های علوم شناختی، ۴ (۳)، ۵۰-۵۸

۷۱) میرمیران، س.م.، و مسعودی، م. (۱۳۹۴). مطالعهٔ تطبیقی رقص قاسم‌آبادی و رقص تالشی، همایش ملی تالش‌شناسی، رشت: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گیلان.

۷۲) نوربالا، ا.ع. (۱۳۹۰). سلامت روانی – اجتماعی و راهکارهای بهبود آن. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، ۱۷(۶۵)، ۱۵۱-۱۵۶.

۷۳) واعظی، احمد (۱۳۸۶). حکومت اسلامی درسنامه اندیشه سیاسی اسلام، چاپ پنجم، قم: مرکزمدیریت حوزه علمیه قم.

۷۴) هدفیلد، ژ. آ. (۱۳۷۴). روانشناسی و اخلاق، ترجمهٔ علی پریور، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.

۷۵) یوسفیان، ج. (۱۳۸۳). زبان فارسی مقوم فرهنگ ایرانی، فرهنگ و تعاون، ۱۳۸۳(۳۱)، ۱۲-۷.

۷۶) یوسفی‌جویباری، م.، و محمدی‌فر، ن. (۱۳۹۰). فرهنگ و تمدن ایرانی و جهانی شدن؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، مطالعات جامعه شناسی، ۴(۱۲)، ۳۸-۲۳.

77) Hruschka DJ, Hadley C. 2008. A glossary of culture in epidemiology. J Epidemiol Commun Health 2008; 62: 947–51.

78) Kovecses, Zoltan (1991). “Happiness: A definitional Effort”, Metaphor and symbolic Activity, 6 (1), P.P 29-46.

79) Lawergreno, Bo. (2002). The New Grove Dictionary of Music and Musicions, Edited by: Stanley Sadie, Newyork, Macmillan Publishers.

80) Oudenhoven, J. P. (2001). Do Organizations Reflect National Cultures? A 10-Nation Study. International Journal of Intercultural Relations, 25(1), 89-107.

81) Stone, D. L., & Stone-Romero, E. F. (2014). The Influence of Culture on Role Taking in Culturally Diverse Organizations. The psychology and management of workplace diversity (pp. 78-99). Malden, MA: Blackwell Publishing.

82) Turner, V. (1984), The Anthropology of performance. New York: performing Arts Journal Publications.

83) Zuckerman, M. (1979). Sensation seeking. Hillsdle, NJ: Erlbaum.